

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۸۸ سه شنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۹، ۳۱ جولای ۲۰۲۰



قاسملو سمبل آشتی و آزادی

www.kurdistanmedia.com



ترور در وین

۷



چرا باید نگران و
مخالف روابط ...

۶



ترور،
شناسنامه‌ای برای ...

۵



در راستای
فروپاشی مرکز

۴

سخن

تمایز خون

کریم پرویزی

تیر ماه

راز استمرار مکتب دمکرات



۲۲ تیر امسال، ۳۱ سال از ترور و شهادت دکتر عبدالرحمن قاسملو، دبیرکل سابق حزب دمکرات و رهبر نامی ملتمان گذشت. همواره گفته شده و گفته می‌شود که "قاسملو در خط مشی و اصول زنده است" و بهترین مدرک برای اثبات این گفته در استمرار راه و خط مشی فکری دکتر عبدالرحمن قاسملو از سوی نیروی پیشمرگه کوردستان و رهروانش در حزب دمکرات و از این بیشتر وظیفه‌شناسی و اعلام وفاداری مردم کوردستان به این رهبر گرانقدر برمی‌گردد؛ اما پرسش این است که دکتر قاسملو چه میراثی در حزب دمکرات برجای گذاشته که می‌تواند اثبات کننده این گفته و مشوق استمرار رهروان خط وی در این سازمان باشد؟

حزب دمکرات کوردستان ایران بر پایه دو ستون اصلی مبارزه می‌نماید که بیشتر اوقات بعنوان پرنسپ‌های غیرقابل تغییر حزب دمکرات به شمار می‌آیند؛ آن هم عبارتند از ملی‌گرایی و دمکراسی!

پیام اصلی حزب دمکرات شکوفایی و از بین بردن آسمیلاسیون ملی است و تا از بین بردن این مسئله به قوت خود باقی است و این پرنسپیی غیرقابل تغییر است. از ابتدای تاسیس تاکنون مشاهده می‌کنیم که حزب دمکرات و رهبران و مجموعه اعضای آن با دلسوزی کامل بر این پیام وفادار بوده و آنچه که لازم و در توانایی آنان بوده دریغ نکرده‌اند.

یکی از ویژگی‌های بارز شهید دکتر قاسملو این بود که همواره و بیش از هر چیزی، به مردم خویش اهمیت داده و آنان را از آسمیلاسیون رژیم‌ها مطلع می‌نمود. به همین دلیل مشاهده می‌کنیم که همواره در گوشه و کنار و در مرکز و بازی سیاسی و اجتماعی و آکادمیک همواره به کوردستان و مسائل ملت کورد توجه کرده است. از وقتی هم که بصورت جدی به میدان سیاسی قدم می‌گذارد و در سکوی حزبی معین در تلاش برای احقاق حقوق ملت کورد است، میزان این علاقه و تعهد فزونی یافته و در تلاش است تا جایی که

جغرافیای سیاسی کشوری مصیبت زده همچون ایران، جغرافیای همزیستی مسالمت‌آمیز و ترقی همنان نیست، بلکه جغرافیای استعمارگری‌ای ریشه دوانده است که نه فقط نیروهای حاکم بلکه تفکر سیاسی آنانی که خود را تحت نشان مرکز تعریف می‌کنند، احاطه کرده است. استعمارگری، روابط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را در کشوری مانند ایران تعریف می‌کند و دیدگاه مرکزگرایان به نسبت ملیت‌های ستمدیده، دیدگاهی استعماری بوده که خود را مرکز، دیگران را در حاشیه می‌دانند. این دیدگاه مرکز- حاشیه، چنان نموده که به یغما بردن سامان و ثروت کوردستان و اهواز و بلوچستان و آذربایجان و ترکمنستان برای فارس‌ها نه تنها حلال تلقی شود، بلکه بصورت رسانه‌ای و پیرو شده در عمق جامعه چنان نمایان می‌سازد که دو خون جدا و متمایز وجود دارد: خون فارس و مرکز نشینان و خون ملیت‌های زیردست! در چند روز گذشته جمهوری اسلامی در استان ارومیه جنایات فراوانی خلق نمود و بویژه سه جوان کورد را اعدام نمود که یکی از آنها بر اثر تیرباران جان باخت: هدایت عبدالله پور، صابر شیخ عبدالله و دیاکو رسول زاده. تنها اتهام این سه جوان کورد این بود که جمهوری اسلامی برای لاپوشانی شکست‌های امنیتی خود به قربانی نیاز داشت و قرعه به نام این سه جوان که از دو رویداد مختلف و در طول چند سال مختلف بوقوع پیوسته بود، افتاد. همانند همیشه اتهام اقدام علیه امنیت ملی و وابستگی به کشورهای بیگانه و اتهام‌هایی از این قبیل به آنان زده شده و آنان را اعدام نمودند. اما جامعه مرکز! هرگز در برابر آنان لب به اعتراض نگشود و همچون یک واقعه عادی از کنار آن عبور کرد. حتی در

ادامه در صفحه ۳

و چنین کنیم که بیشترین میزان مشارکت مردم با هر اعتقاد و آیین و مذهب که باشند خود را در میان ما پیدا کنند. این نیز خود تقویت دمکراسی است، چرا که تبلیغات وجود دمکراسی و همزیستی در مکانی تأیید خواهد شد که فرصتی برای عرضه خود و باهم بودن متفاوت‌ها باشد. حتی اعتقاد به دمکراسی در اندیشه قاسملو تا حدی جلودار است که مبارزه‌ای مستقل و متفاوت و آزاد را ایجاد می‌نماید. این همان دیدگاهی است که مانند میراث فکری قاسملو برای حزب دمکرات به جا مانده است و اکنون در آستانه ۷۵مین سالروز تاسیس حزب پیشوا، قاسملو و شرفکندی نظاره‌گر آن هستیم این پرنسپ لایتغیر ستون اصلی مبارزه ملتمان است. این مکتب ادامه دارد و رهروان این مکتب به خط مشی شهیدان و آسمان اندیشه‌های آبی آن وفادار هستند.

سیاسی و داخل حزب بدل کردند، این همان پرنسپ دوم است که در ابتدا به آن نیز اشاره شد. در هر جنبشی ملی میزان مشارکت اقشار و طبقات اجتماعی متفاوت اهمیت خود را دارد. چرا که اگر این میزان مشارکت زیاد باشد موفقیت و پیشرفت نیز بیشتر و به همان اندازه افت همزیستی در صلح و امنیت بیشتر خواهد شد. این وظیفه نیز به این صورت محقق خواهد شد که افراد جامعه کوردستان تا چه اندازه خود را در جنبش پیدا خواهند کرد و تا چه اندازه شرایط مهیا است تا افراد احساس بیگانگی نکنند. این نیز به نبود تعصب و وجود دمکراسی رابطه دارد. هر دوی این توضیحات را می‌توان در اندیشه و رفتار دکتر قاسملو دید. ایشان همیشه از تمرین دمکراسی سخن گفته‌اند و چنین باور داشته که ما باید دمکراسی را در درون خود نهادینه کنیم تا هم امید به مردم بدهیم که می‌توانند جامعه‌ای دمکراتیک بنیان نهند

منابع آن در خارج باشد اما با جامعه کوردستان بیگانه نباشد. با این کار دکتر قاسملو هم توانست خط ارتباط با دنیا خارج را پایدار کند و هم توانست جنبش ملی دمکراتیک را از دام ایدئولوژیی مختص نجات دهد. به طور خلاصه می‌توان گفت که دکتر قاسملو می‌دانست که تلاش برای زندگی انسانی و آسوده و یکسانی نباید به مثابه ایدئولوژیی متحجرانه به مردم تحمیل شود. چرا که اگر چنین شود خود به ابزاری برای ستم تبدیل خواهد شد. این نیز بدان سبب است که یکی از ویژگی‌های متحجرانه، مرزبندی میان تفکرات و عدم توانایی سازش با هم است؛ این خود نیز ستم و نابرابری به دنبال خواهد داشت. در اینجا به بحثی دیگر اشاره خواهیم که برای هر جنبشی ملی مهم است که در اندیشه و رفتار دکتر قاسملو بازتاب داشته است که با همکاری خود و همفکرانش آن را به بخشی مهم از رفتار

برایش امکان پذیر است خود را از غل و زنجیرهای ایدئولوژی به دور نگه دارد، یا تلاش نماید با شرایط اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جامعه کوردستان وفق نماید. دکتر قاسملو به این باور داشت که باید فکر و اندیشه‌ها را با ویژگی‌های جامعه خود هماهنگ کنیم تا بتوانیم به نحو احسن تاثیرگذار باشیم. به ویژه اگر شناسنامه اصلی این حزب ملی‌گرایی و ارج نهادن احساس ملی و اراده ملی باشد. به همین سبب دکتر قاسملو علاوه بر وجود زمینه‌ای فکری متفاوت، اما با توجه به رسالت اصلی حزب دمکرات و برنامه آن توانست این فکر خود را با ویژگی جنبش ملی دمکراتیک کورد در کوردستان ایران بگنجانند و به گواه تاریخ بزرگترین تاثیر را داشته باشد. بحث از سوسیالیزم دمکراتیک در این برهه تاریخی بیانگر آن بود که دکتر قاسملو در صدد ایجاد دکتربینی بوده است که اگرچه

شورای سیاستگذاری حزب دمکرات: مجامع بین‌المللی دولت اتریش را برای بازگشایی پرونده‌ی ترور دکتر قاسملو تحت فشار قرار دهند



وقت اتریش و عدم استقلال دستگاه قضایی این کشور را از یک ابهام و سؤال بزرگ رهایی بخشد. توده‌های آزادی‌خواه، رهروان با صلابت مکتب دمکرات همچنان که پیشتر اشاره شد، خلا فقدان دکتر قاسملو در صفوف جنبش کورد در کوردستان ایران و حزب دمکرات کوردستان ایران، کار ساده‌ای نیست، لیکن از پویایی مکتب و پر رهرو بودن راه قاسملو می‌توان دریافت که قاسملو در اندیشه‌ها و باورهای زنده است و افکار و سیاست‌ها و نکته سنجی‌های وی همچنان چراغ روشنی بخش راه مبارزات ما تا رسیدن به سرمنزل مقصود است. رژیم جمهوری اسلامی گرچه توانست از لحاظ فیزیکی دکتر قاسملو را از ما ملت کورد و آزادی‌خواهان بگیرد، لیکن هرگز نتوانسته و نخواهد توانست که بین راه و اندیشه و رهنمودهای قاسملو از یک سو و ملت کورد و حزیش از سوی دیگر، فاصله بیندازد.

در سی و یکمین سالگرد ترور دکتر قاسملو، همانند سال‌های گذشته و در آینده نیز با اندیشه و راه دکتر قاسملو پیمان می‌بندیم که تا رسیدن به پیروزی نهایی، با عزمی استوار این راه را پیموده و روان پاک رهبرمان دکتر قاسملو را شاد و خشنود گردانیم. درود بر روان پاک و راه دمکراسی‌خواهی، انساندوستی و ملت‌باوری دکتر قاسملو پر رهروتر باد راه دکتر قاسملو جهت نیل به اهداف و آرمان‌های والای این رهبر بزرگمان و تمامی شهیدان کوردستان درود بر روان پاک تمامی شهیدان راه آزادی و رهایی کوردستان

حزب دمکرات کوردستان ایران
شورای سیاستگذاری
۲۱ تیرماه ۱۳۹۹ خورشیدی

پیشمرگه‌ها و مبارزان دمکرات بود، از تیررس رژیم جمهوری اسلامی و ماشین تروریسم آن مصون بود، از همین رو با سوء استفاده از نیات صلح‌طلبانه و عزم ایشان برای حل مسالمت‌آمیز مسئله‌ی کورد، تحت پوشش مذاکره بر سر خواسته‌های ملت کورد در کوردستان ایران، پشت میز به اصطلاح مذاکره و در یک کشور اروپایی مانند اتریش، فرصت را غنیمت شمرده و در مورخه‌ی ۱۳ ژوئیه‌ی ۱۹۸۹ میلادی ایشان را به شهادت رساندند.

متأسفانه دولت وقت اتریش بخاطر برخی ملاحظات سیاسی و منافع تجاری مشترک با جمهوری اسلامی ایران، اجازه نداد که پرونده‌ی این ترور روند عادی و قانونی خود را طی کند و آمران و عاملان ترور دکتر قاسملو را به افکار عمومی جهانیان بشناساند، این در حالی بود که پلیس این کشور مدارک آشکار و غیر قابل انکاری در دست داشت که می‌توانست به زودی جمهوری اسلامی ایران را به عنوان قاتل دکتر قاسملو معرفی نموده و ماشین ترور جمهوری اسلامی را دست کم در اروپا متوقف نماید، کاری که دستگاه قضایی آلمان پس از ترور دکتر صادق شرفکندی، معاون و جانشین شایسته‌ی دکتر قاسملو شجاعانه انجام داد و جمهوری اسلامی ایران را به عنور آمر و عامل ترور دکتر صادق شرفکندی به جهانیان معرفی نمود.

در سی و یکمین سالگرد ترور دکتر قاسملو یک بار دیگر از مجامع و محافل بشردوست و نهادهای تأثیرگذار بین‌المللی تقاضا داریم که دولت اتریش را برای بازگشایی پرونده‌ی ترور دکتر قاسملو تحت فشار قرار دهند تا بدینگونه هم جبران مافات نموده و هم موضع نسنجیده‌ی دولت

به عنوان تهدیدی جدی علیه موجودیت و بقای قدرت ظالمانه‌ی این رژیم تلقی می‌شد.

این تنها باورهای دکتر قاسملو نبودند که تهدیدی جدی علیه رژیم محسوب می‌شدند، بلکه قاسملو هم جنبش نیرومند ملت کورد را برای تحقق حقوق و آزادی‌های این ملت رهبری می‌کرد که برای پیشمرگه‌ها روحیه‌بخش و فریاد رسای حق‌طلبی ملت ستمدیده‌ی کورد بود و هم سیاستمدار و مبارزی عملگرا به معنای واقعی کلمه بود. به همین دلیل، همان گونه که اشاره شد، بسیار زود هدف دسیسه‌های تروریستی رژیم قرار گرفت، لیکن تا زمانی که در آغوش کوهستان و در میان

حقیقی معتقد به دمکراسی، عدالت، انسانگرایی و هوادار صلح و آرامش و همزیستی مسالمت‌آمیز شناخته شده بود و در عین حال نیز مدافع سرسخت حقوق ملت کورد و رهبر فرهیخته‌ی جنبش کورد در کوردستان ایران و حزب دمکرات کوردستان ایران بود.

این ویژگی‌ها و برخی خصائل انساندوستانه‌ی دیگر بود که سیمای سیاسی و مبارزاتی دکتر قاسملو را تشکیل داده بودند، دکتر قاسملو با هر گونه دیکتاتوری و استثمار انسان‌ها مخالف بود که این نیز در کنار سایر ویژگی‌های والای ایشان نه تنها در تضاد با ماهیت ضد بشری رژیم جمهوری اسلامی ایران قرار داشت، بلکه

تروریست پرور جمهوری اسلامی ایران سپری می‌شود، تروری که زخم عمیق و دردناکی بر پیکر جنبش آزادی و دمکراسی‌خواهی بویژه جنبش ملی کورد و حزب دمکرات کوردستان ایران وارد نمود، زخمی که با گذشت سی و یک سال همچنان دردناک و التیام‌ناپذیر بوده و هست.

دکتر قاسملو از مدت‌ها قبل، از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، هدفی برای حذف فیزیکی و ترور بود، زیرا وی فرزند ملت کورد و رهبری توانمند و استثنایی برای جنبش حق‌طلبانه‌ی ملت کورد و سیاستمداری نام‌آور در سطح ایران، منطقه، کوردستان و جهان بود که به عنوان یک دمکرات

شورای سیاستگذاری حزب دمکرات کوردستان ایران در رابطه با ۲۲ تیر سالروز ترور رهبر فرزانه کورد، دکتر "عبدالرحمن قاسملو" بیانیه‌ای منتشر نمود.

بیانیه‌ی شورای سیاستگذاری حزب دمکرات کوردستان ایران در رابطه با سی و یکمین سالگرد ترور دکتر عبدالرحمان قاسملو هم میهنان گرامی؛

هواداران دمکراسی و حقوق بشر؛ فرزندان حق شناس ملت کورد؛ رهروان راه زنده یاد دکتر قاسملو؛ روز یکشنبه ۲۲ تیرماه امسال (۱۳۹۹ خورشیدی) سی و یک سال از ترور دکتر قاسملو دبیرکل وقت حزب دمکرات کوردستان ایران به دست رژیم تروریستی و

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران بر مبارزات مشترک احزاب تأکید ورزید



ناوهندی هاوکاری حیزبه‌کانی کوردستانی ئێران
Cooperation Center of Iranian Kurdistan's Political Parties.
مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران

و مبارزاتی کنونی دانسته و در خصوص مکانیزم‌های این مسئله مهم تبادل نظر نمودند.

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران
۲۶ تیر ۱۳۹۹ شمسی

احزاب، نظرات خود در خصوص شیوه‌های همکاری نظامی را ارائه کردند. همچنین با تأکید بر همکاری نظامی نیروهای پیشمرگه احزاب کوردستان ایران، آن را ضرورتی تاریخی و هائز اهمیت در وضعیت سیاسی

سپس در بخش اصلی نشست، هیئت میزبان ضمن ارائه گزارش در خصوص جمع‌بندی مباحث نشست پیشین، وظایف و محورهای این نشست را اعلام داشت. در این نشست، نمایندگان نظامی احزاب عضو در مرکز همکاری

حزب دمکرات کوردستان در سخنانی مختصر، برگزاری این نشست را حائز اهمیت دانست و ابراز امیدواری کرد که این نشست نتیجه مطلوبی در گرو پیشبرد مبارزات مشترک احزاب کوردستان ایران داشته باشد.

نشست مسئولان نظامی پیشمرگه احزاب عضو مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران در دفتر سیاسی حزب دمکرات کوردستان برگزار شد. در ابتدای این نشست، "مصطفی مولودی"، جانشین دبیرکل

مسئولان نظامی نیروی پیشمرگه احزاب عضو مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران در خصوص شیوه‌ها و راهکارهای همکاری نظامی فی مابین احزاب نشست مشترکی برگزار کردند. روز پنجشنبه، ۲۶ تیر، دومین

ترور ناجوانمردانه دکتر "قاسملو" سندی دیگر از افشای ماهیت تروریستی رژیم ایران است



تشکیلات حزب دمکرات کوردستان ایران در استان "ایلام" در رابطه با ۲۲ تیر، سالروز شهادت و ترور رهبر نامی ملت کوردستان دکتر "عبدالرحمن قاسملو" پیامی منتشر نمودند.

متن پیام بدین شرح است:

پیام تشکیلات حزب دمکرات کوردستان ایران استان ایلام به مناسبت سالروز شهادت دکتر عبدالرحمن قاسملو از فراز زاگرس و قلاقران با ادای احترام به نام و یاد شهیدان راه آزادی

به مناسبت سالروز شهادت دکتر عبدالرحمن قاسملو

۲۲ تیر ماه ۱۳۶۸ دبیرکل حزب دمکرات کوردستان ایران شهید دکتر قاسملو؛ در جلسه‌ای در شهر وین پایتخت اتریش مشغول رایزنی با دیپلمات‌های رژیم جمهوری اسلامی برای دستیابی به حقوق پایمال شده ملت کورد و حین تلاش برای ایجاد صلح و برقراری

دمکراسی در ایران و کوردستان بودند که در اقدامی غیرانسانی و با برنامه‌ای از پیش طراحی شده، سر میز مذاکره با شلیک چند گلوله از سوی دیپلمات تروریست‌های رژیم جمهوری اسلامی ترور شدند، تا از یک سو نام ایشان چون ستاره‌ای بر تارک آسمان مبارزات آزادی‌خواهانه و صلح‌جویانه تاریخ بشر بدرخشد و جاودانه شود و از سویی دیگر این ترور ناجوانمردانه سند دیگری باشد بر افشای ماهیت تروریستی و جنایتکارانه رژیم مستقر در تهران. شهید قاسملو که از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۸ بعنوان فعال سیاسی در عرصه مبارزات آزادی‌خواهانه برای استقرار دمکراسی در خاورمیانه و همچنین بعنوان دبیرکل حزب دمکرات کوردستان ایران و نیز نماینده مردم استان ارومیه در مجلس خبرگان قانون اساسی شناخته شده بودند؛ از معبود چهره‌هایی هستند که تأثیرات

چشمگیر و غیر قابل انکاری بر فضای فکری، عمومی و سیاسی زمانه ی خود و دوران بعد از خود داشته و دارند. شاهد این مدعا استمرار مبارزات آزادی‌خواهانه ملت کورد در راستای احقاق حقوق خود بر مبنای احترام به کرامت انسان و اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصول دمکراسی در چارچوب تشکیلات حزب دمکرات کوردستان ایران است که تاکنون با گذشت سی و یک سال از تاریخ ۲۲ تیرماه ۱۳۶۸ با جدیت از سوی فرزندان شایسته کوردستان و با الهام از اندیشه‌های مترقیانه "دکتر قاسملو" تحقق یافته است. حزب دمکرات کوردستان ایران بعنوان حزبی پیشرو و پرچمدار مبارزات ملی_دمکراتیک ملت کورد؛ تا احقاق حقوق حقه‌ی ملت خود و استقرار صلحی پایدار برای ملت‌های در بند استبداد جغرافیای مورد مناقشه خاورمیانه، هرگز از پا نخواهد نشست. کما اینکه

حزب توانسته است در کنار سایر نیروهای آزادی‌بخش ملی در منطقه و نظام بین‌الملل، مشروعیت و مقبولیت چشمگیری حتی نسبت به گذشته در بین جریان‌های فکری و سیاسی موجود بدست آورد.

دستاوردهای سیاسی و فرهنگی و نفوذ مقبول حزب و اندیشه‌های رهبری با پرستیژ چون دکتر قاسملو در جامعه کوردستان و ایران و منطقه تا اندازهای به چشم می‌آید که در فضای ملتهب سیاسی امروز ایران و نظام بین‌الملل، سبب برانگیختن نگرانی رژیم جمهوری اسلامی و متعاقب آن افزایش حملات نظامی_فیزیکی رژیم به مواضع و پایگاه‌های حزب دمکرات کوردستان ایران شده است.

رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی از ابتدای حصول قدرت در ایران، با رویکرد اقتدارگرایی ناسازگار با هر گونه دمکراسی و حکومت

قانون؛ همواره کرامت و حقوق انسانی شهروندان خود را نقض نموده است. هم چنین جمهوری اسلامی بدلیل آنچه که تامین مالی تروریسم و پیشبرد تروریسم دولتی نامیده می‌شود بزرگترین و اصلی‌ترین حامی اقدامات تروریستی در منطقه و نظام بین‌الملل می‌باشد و از هیچ نوع اقدامی برای بسط و اشاعه ترور در جهان فروگذار ننموده است. مشارکت در عملیات‌هایی چون بمب‌گذاری، آدم ربایی و ترور مقام‌های عالی‌مسلکتی و رهبران جنبش‌های آزادی‌بخش که از مصادیق بارز تروریسم دولتی ست، من جمله آن‌هاست.

بدون شک ترور رهبری چون قاسملو که آوازه دمکراسی خواهی‌اش و جهان‌بینی روشن وی که مبتنی بر احترام به انسان و کرامت و حقوق و آزادی اوست، یکی از با اهمیت‌ترین و چالش برانگیزترین ترورهایی است که رژیم جمهوری اسلامی انجام داده است. زیرا ترور شخصی که از پیشگامان مبارزه برای استقرار دمکراسی، صلح، آزادی، عدالت و برابری به شمار می‌آید، بیش از هر اقدام دیگری می‌تواند ماهیت تروریستی و ضد بشری رژیم جمهوری اسلامی را آشکار سازد. اکنون که پس از سی و یک سال از آن جنایت آشکار، پرونده ترور رهبران کورد با پیدایی و افشای اسناد متعدد ابعاد تازه ای یافته؛ امید و خواسته‌ی ملت کورد برای محاکمه عاملان آن جنایت ضدبشری، تنها کاری است که کشورهای اروپایی به جبران سکوت چند دهه‌ای خود می‌توانند انجام دهند.

در حال حاضر که رژیم تروریستی ایران بیش از هر زمان دیگری با

افزایش فشار بر جامعه مدنی ایران، اقدام به نقض حقوق اساسی افراد، فعالان مدنی و حقوق بشر، فعالین محیط زیست، اقلیت‌های مذهبی و... در تمام ایران و کوردستان کرده تا دیکتاتوری ولایت فقیه را همچنان سرپا نگهدارد؛ بر گردن تمام انسان‌های آزاده و مبارز است که در برابر استبداد ایستاده و برای ساختن زندگی‌ای توأم با آزادی، در سایه صلح و بدون ترس و ترور از هیچ تلاشی فروگذار نکنند.

تشکیلات حزب دمکرات کوردستان ایران استان ایلام
شهیدان و مبارزان راه آزادی، راهتان پر رهرو و اندیشه‌تان جاودانه و مانا
۲۱ تیر ۱۳۹۹ شمسی

ادامه سخن

تفسیر جامعه‌شناسان در رسانه‌ها اعلام شده که این دو واقعه باید از هم تفکیک گردد چون اعدام کوردها همواره وجود داشته و در ادامه جریان قبلی می‌باشد! بله اعدام کوردها و کشتار عرب و بلوچ و تحقیر ترک آذری در ایران عادی شده‌است. همانگونه که هر روز خورشید غروب کرده و تاریکی سایه می‌افکند، به همین شکل نیز ظلم و ستم مرکز علیه حاشیه عادی گشته‌است!!

در همین چند ماه اخیر برای فروکش کردن حس حقارت خود از اعتراضات آبان ماه سال قبل در ایران، حکم اعدام سه جوان فارس را صادر نمود. اتهام همان اتهام بود: اقدام علیه امنیت ملی و وابستگی به کشورهای خارجی! اما آنچه متفاوت بود، موضع جامعه مرکز! بود. کمپینی علیه این حکم برپا نموده و بر همه جریانات فشار آورده که در این کمپین مشارکت کنند و حتی به احزاب و جریانات حاشیه از ملیت‌های زیردست فشار آورده که این حکم اعدام را محکوم نمایند، اما در اطلاعیه خود آماده نبودند که نام سه جوان کورد را اعلام کنند که تازه اعدام شده بودند! چونکه اعدام از دید استعمارگری لباسی است که بر تن کورد و دیگر ملیت‌های حاشیه دوخته شده و بر این باورند که تنها باید کورد و باقی ملت‌های زیردست اعدام گردند!

از دیدگاه استعمارگری ریشه‌دار، ریختن خونی که در رگ انسان حاشیه در جریان است، امری عادی است و خون افراد وابسته به ملت مرکز و مرکزگرا بوده که پررنگ‌تر می‌باشد و اگر قطره‌ای از آن بر زمین بریزد حرام است! جغرافیایی که دارای دو خون متمایز بوده و برای خون‌ها ارزش‌گذاری متفاوتی صورت پذیرد، نمی‌تواند استمرار داشته باشد و تنها راه برای پایداری آن نه تنها تغییر چهره‌های زمامداران، بلکه زیر و رو کردن اندیشه استعمارگری است.



ادامه‌دهنده راه این مبارز بزرگ و معلم دانشمند می باشد.

جامعه فرهنگیان کوردستان
۲۱ تیر ۱۳۹۹ شمسی

مورد محاکمه قرار گیرند. جامعه فرهنگیان کوردستان در سی و یکمین سالگرد فقدان زنده یاد دکتر قاسملو، بار دیگر یاد او را زنده نگه داشته و با تمام توان

پرونده جنایت ترور ایشان به دست جلدان و حکومت متحجر جمهوری اسلامی باری دیگر در کانون توجه جهانیان قرار بگیرد و عاملان این ترور حقیرانه در دادگاهی صالح

از ویژگی های بسیار برجسته ایشان تلاش‌ها برای مذاکره با مخالفان سیاسی و رسیدن به زبان مشترک و کوشش در ایجاد اتحادها و ائتلاف‌های بزرگ سیاسی بود.

شهید قاسملو یکی از معتقدان به گفتگو و حل مسائل و مشکلات از طریق مذاکره بود و برای حل مسئله کوردستان از این طریق، نهایتاً جان شیرین و با ارزش خود را در این راه گذاشت.

با گذشت بیش از سی سال هنوز ایده‌ها و آرمان‌های زنده یاد دکتر قاسملو زنده و راهنمای مردم کوردستان ایران می‌باشد.

جامعه فرهنگیان کوردستان ضمن محکوم نمودن ترور زنده یاد شهید قاسملو به این وسیله اعلام می‌نماید که ادامه‌دهنده راه و روش ایشان برای دستیابی به دمکراسی و آزادی برای کوردستان می‌باشد و از جامعه جهانی و نهادهای حقوق بشری درخواست می‌کند تا

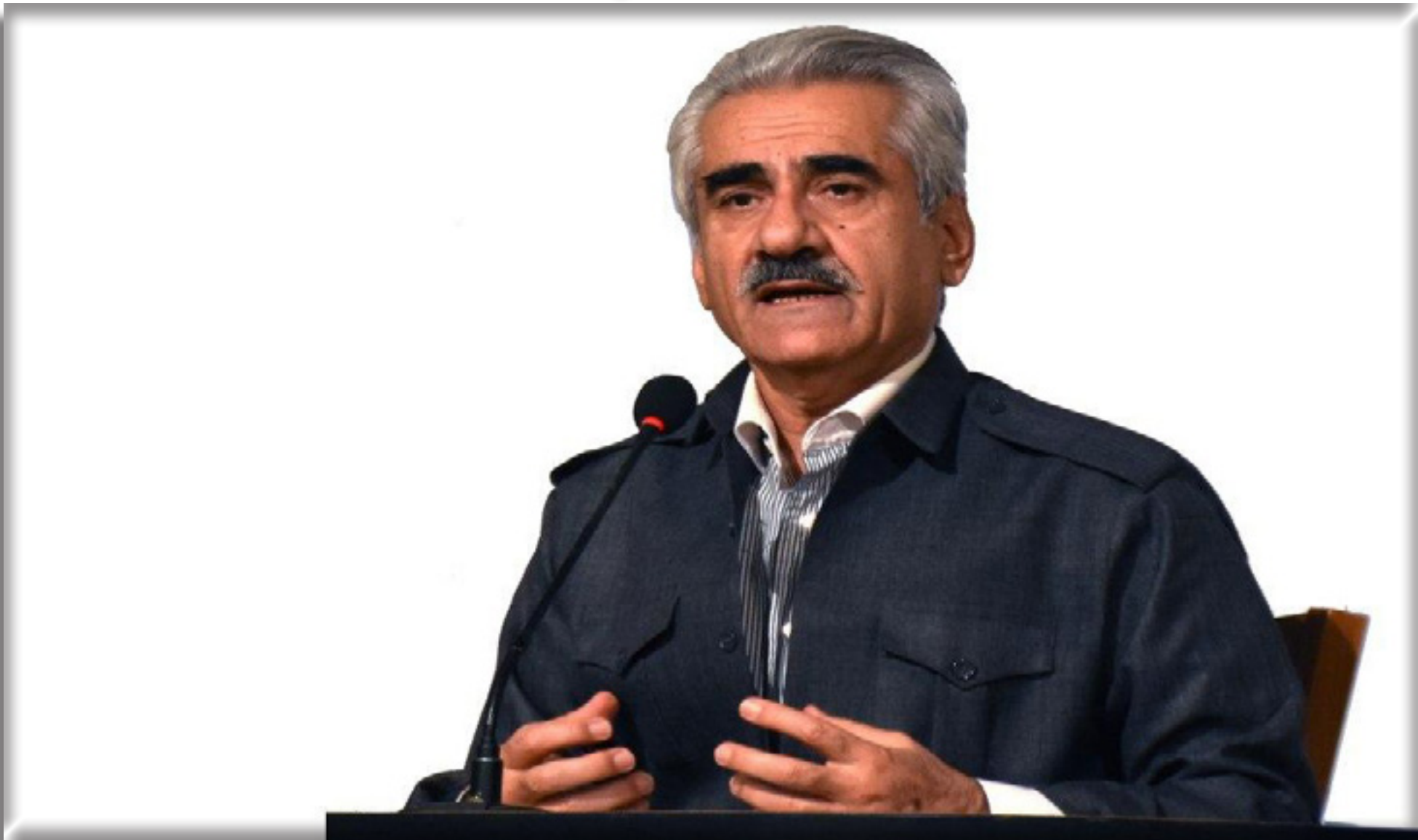
جامعه فرهنگیان کوردستان در رابطه با سی و یکمین سالگرد ترور رهبر نامی ملت کورد، دکتر "عبدالرحمن قاسملو" پیامی منتشر نمودند.

متن پیام به شرح زیر می‌باشد:

پیام جمعی از فرهنگیان کوردستان به مناسبت سالروز ترور زنده یاد دکتر عبدالرحمن قاسملو سی و یک سال از ترور زنده یاد دکتر عبدالرحمن قاسملو توسط مزدوران جمهوری اسلامی ایران در وین گذشت.

زنده یاد شهید دکتر قاسملو رهبری فرهیخته، معلمی آگاه، سیاست مداری برجسته و مبتکر شعار "دمکراسی برای ایران، خودمختاری برای کوردستان" بود. دکتر قاسملو به دور از نژادپرستی و ناسیونالیستی کوردی بود، ایرانی و یک ایرانی کورد بود و با همه وجودش برای برقراری دمکراسی در ایران و خصوصاً در کوردستان تلاش کرد.

در راستای فروپاشی مرکز



مصطفی هجری

بعد از انقلاب ملیت‌های ایران(۱۹۷۹)، اگرچه ساختار حکومت پهلوی از هم پاشید، اما زیرساخت پروسه ستم ملی و به حاشیه راندن ملیت‌های زیردست، براساس اسطوره ایران باستان و ایدئولوژی تشیع و زبان فارسی شکل نوینی به خود گرفت. در این مرحله، مرکز بار دیگر خود را تعریف کرده و ابعاد خشونت و پاکسازی و سرکوب، بصورت سیستماتیک مورد توجه قرار گرفت. پیامد سیاست انکار وجود ملیت‌ها، حتی تلاش برای کوچک جلوه دادن آنان تا حد قوم و خرده فرهنگ، به همین دلایل حق زندگی، حق آزادی، مسئله حاکمیت ملیت‌ها، مسئله دموکراسی و حتی آزادی‌های اولیه، با دید امنیتی و تهدید علیه آسایش ملی تعبیر و تفسیر شد. این دیدگاه نیز، در واقعیت خطری بالقوه برای حیات و امنیت ملی ملیت‌های ستمدیده بوده است.

خشونت و سرکوب سیستماتیک، همه ابعاد زندگی را درهم تنیده است. در کردستان ایران، این خشونت‌ها با فرمان جهاد خمینی، بنیانگذار و رهبر جمهوری اسلامی، تحت نام جنگ مقدس، با توجیه آن به وسیله آیات و احادیث اسلامی آغاز گردید، که تا به امروز نیز ادامه داشته و حتی ابعاد جنگ نرم را نیز دربر گرفته و به استراتژی و سیاست رسمی وارثان خمینی مبدل گشته است.

تفاوت‌های فاحش این خشونت در کردستان با بخش های دیگر در ایران در این است که در مناطق دیگر مردمانی را

که بعنوان دگراندیش و مخالف خود می‌دانند، با هجوم و زندان، شکنجه و اعدام روبرو می‌گردند، در کردستان همزمان با این موارد، تاریخ، هویت، فرهنگ، زبان و در کل هویت وجودی ملت کرد مورد هجوم همه‌جانبه واقع شده که هدف نهایی مرکز، آسمیلاسیون و خاموش نمودن صدای آزادیخواهی کرد می‌باشد.

شرایط کنونی کرد و وضعیت مرکز

علاوه بر فضای زیست بسته و امنیتی شده و وضعیت سرکوب و خشونت در ایران و بویژه در کردستان، رژیم در ارتباط با اهداف خویش در داخل و خارج به بن‌بست رسیده است. همچنانکه قبلاً اشاره شد، بر این باورم که رژیم در اعمال سیاست‌های خود در برابر ملت کرد در کردستان ایران، از همان آغاز ناکام مانده است. آرزوی آزادی و رسیدن به حقوق ملی که همان حاکمیت کرد بر خاک خویش است، بطور مداوم روبه ارتقااست. تاکید بر هویت ملی، ماهیت جنبش ملی و دموکراتیک کرد بوده است. مقابله و دفاع ملی، مسیر همیشگی این جنبش می‌باشد. اشغالگری رژیم ایران محیط زیست کردستان را به سمت نابودی کشانده و منابع آبی و معادن آن را با هدف آبادسازی مرکز به یغما برده است.

همچنین در حال حاضر سطح نابرابری اجتماعی بدلیل سیاست‌های غلط رژیم، جامعه کردستان ایران را به سوی جامعه‌ای نابرابر و مملو از بهره‌کشی کشانده است. تعداد و آمار زندانیان، شهیدان مدافع محیط زیست و سرکوب صدای زنان و دانشجویان و فعالان مدنی، اعدام و ترور و ناپدیدکردن قهری

و کشتارهای کورکورانه، اگرچه مدرکی برای جنایات رژیم به شمار می‌آیند، اما در همان حال، نشانه‌های پایداری و مقاومت این ملت است که در برابر ستم و زیردستی سر خم نکرده است. به نسبت وضعیت کلی ایران، رژیم جمهوری اسلامی از یک دیدگاهی کلی همانند حکومتی شکست خورده به شمار می‌آید که توان اداره کردن و مدیریت کشور را ندارد. اگر هم توانی باقی مانده باشد در ارتباط با نمایش و استفاده از نیروی سرکوب و نظامی در داخل و خارج ایران است.

شکی در این نیست که رژیم نامتعارف جمهوری اسلامی با بحران‌های انباشته شده و مسائل حل نشده، در داخل و خارج محاصره شده است. فساد و جنایات حکومت و زمامداران، سطح اعتراضات، جنبش‌های خیابانی، فشار بیکاری و نبود فرصت زندگی عادی برای اکثر مردمان ایران و ده‌ها و صدها مشکل دیگر، رژیم را به سوی بن‌بست اداری و مدیریتی برده است. این وضعیت موجب شده است که حق زندگی ابتدایی در ایران محقق نگردد. بحران ممکن است مفهوم اصلی باشد که برای ارزیابی وضعیت، بن‌بست کنونی یاری دهنده باشد. بحران مدیریتی، بحران در سیاست داخلی و خارجی، رژیم را در تنگنا قرار داده است، به گونه‌ای که بحران را با بحرانی دیگر سپری می‌نماید.

اگرچه جمهوری اسلامی در حال حاضر نیز در تلاش است بعنوان جریان هژمونی منطقه‌ای، حوزه و پایگاهی در خاورمیانه برای خود تعریف کند، اما به دلیل کمپین تحریم‌های آمریکا، ناتوان مانده

و بخش اعظمی از منابع ثروت و اطلاعات و نظامی‌اش حتی در سطح همپیمانان و گروه‌های وابسته به جمهوری اسلامی در عراق، سوریه، لبنان و یمن که به جنگ نیابتی برای جمهوری اسلامی مشغول می‌باشند با بحران مواجه شده‌اند؛ بویژه در حال حاضر همانند گذشته قادر به تأمین مخارج و بودجه گروه‌های نیابتی خویش نیست و همگی آنان در تنگنا قرار دارند. جدا از این فاکتور، در کشورهایی همچون عراق و لبنان، مردم علیه سیاست مداخله‌جویانه جمهوری اسلامی به خیابان آمده و خواستار ریشه‌کن کردن نفوذ ایران در کشور خویش هستند. در کشوری همچون سوریه که ایران آن را بعنوان حوزه نفوذ خود قلمداد نموده، طی دو سال گذشته ده‌ها و صدها بار پایگاه‌های نظامی و منافع رژیم هدف قرار گرفته و جدا از درماندگی، قادر به دفاع از خود نبوده است.

منابع خبری معتبر اعلام کرده‌اند که این حملات از سوی اسرائیل صورت می‌پذیرند؛ کشوری که نابودی آن از جغرافیای سیاسی، وعده و سخن همیشگی مسئولان ایران بوده است. حتی این حملات در خاک ایران تکرار شده و مراکز اتمی و نظامی و استراتژیک جمهوری اسلامی ایران هدف قرار می‌گیرند.

رژیمی که در آرزوی بنیان نهادن "ام القرا"ی اسلامی در منطقه بود، در طول تاریخ خود تا این اندازه ضعیف و منفعل نبوده است. وضعیتی که در منطقه و در برخی از کشورها در جریان است، نتیجه سیاست تنش‌زا و مداخله‌جویانه رژیمی است که اکنون نه تنها خود که، ایران را نیز درگیر کرده است. رژیمی که سامان

و ثروت ایران را صرف سیاست صدور انقلاب کرده است، اکنون در انتظار انقلاب و خیزش قربانیان این سیاست خویش است که همان مردم ایران هستند. همانگونه که در طول چند سال اخیر موج نفرت انباشته شده مردم به ستوه آمده ایران، موجودیت رژیم را تا مرز(به گفته خود مسئولان رژیم) زلزله سیاسی و انقلاب سراسری برده است.

اکنون بحران‌های موازی منطقه‌ای و داخلی، با ویروس همه‌گیر کرونا همزمان شده که حتی نیروی دفاعی و بدنه حکومت را نیز تضعیف نموده است. شیوع گسترده این ویروس همزمان با آن که توان سیستم بهداشتی و خدماتی رژیم را زیر سوال برد، فشاری بیشتر و چند برابری برای جامعه ایران به ارمغان آورد.

افزایش نرخ بیکاری و کاهش بهای نفت(در زمان تحریم‌ها) و کاهش چند برابری بهای تومانی در برابر دلار، شمار بیشتری از مردم ایران را به زیر خط فقر و بیکاری کشانده است. با این حال نیز بدلیل نبود خدمتگزاری و کمبود امکانات و وسایل بهداشتی، ده‌ها میلیون نفر را به سوی فاجعه ابتلا و مرگ برده است. جدا از این هیچ دستگاه و وزارت و مسئولی آماده نیست که آمار واقعی قربانیان را رسانه‌ای کند، همانگونه که آماده نبودند آمار دقیق مجروحین و کشته‌شدگان و زندانیان و ناپدیدشدگان اعتراضات سال‌های قبل را آشکار سازند.

در این شرایط بحرانی، عرصه بروز اعتراضات بیشتر و همزمان خطر سرکوب بیشتر پیشبینی می‌شود. اکنون که بی‌اعتمادی به حکومت و نا اُمیدی از زندگی عادی بر سرمردم ایران

سایه افکنده است و انتظار هیچ چاره‌جویی نمی‌رود، رژیم جمهوری اسلامی برای بقای خویش آماده هرگونه خشونت و سرکوب و پرداخت هزینه‌ای است. نشانه‌های این آماده‌سازی رژیم به نسبت کردستان آشکارتر است. تنها در ۷ ماه گذشته ۹۲ نفر در کردستان ایران به اتهام فعالیت‌های مدنی، سیاسی و مذهبی محکوم شده‌اند. اعدام هدایت عبدالله پور، صابر شیخ عبدالله و دیاکو رسول زاده و صدور حکم دراز مدت برای حسین عثمانی و زهرا محمدی و قبل از آن نیز حکم حبس ابد برای زینب جلالیان تنها چندین نمونه می‌باشد.

اما تاریخ جمهوری اسلامی به اثبات رسانده که این سیاست غلط و خشن به دانش نخواهد رسید. در طول دهه‌های گذشته، کرد در کردستان ایران خود را مانند ملتی فاقد حاکمیت مشاهده کرده است. بر همین اساس یکی از اهداف اصلی سیاست سرکوب و آسمیلاسیون مرکز بوده است. از این رو، با اصرار بر دست یافتن بر حق حاکمیت بر خاک خویش، تاکید می‌نماید که نمادهای "دموکراسی" و اساس تشکیل حکومت و همچنین مفهوم جامعه ایرانی، باید از نو تعریف گردد.

بدون این تعریف جدید، سیستم اشغالگری داخلی ادامه خواهد داشت، لذا اینگونه رابطه اشغالگری، باید ابتدا از مرکز ملغی گردد، تا زمینه برای همزیستی داوطلبانه و مسالمت‌آمیز فراهم شود. برای رسیدن به این هدف، کردستان پابرجا خواهد ماند و برای دست یافتن به حاکمیت بر سرنوشت خویش و در هم پیچیدن جمهوری اسلامی هزینه‌های بیشتری خواهد پرداخت.

ترور، شناسنامه‌ای برای رژیم ایران (آخوندی)

ابراهیم ملاپور

بیش از چهار دهه ترور و خشونت رژیم ایران تقریباً هر روز کلمه ترور را در رسانه‌ها می‌شنویم و متأسفانه فکر و ذهن همه با این لغت ترسناک آشنا شده‌است، از قتل فعالین سیاسی گرفته تا ترور کور زنان و کودکان در سراسر جهان، آتش زدن مدارس و بمب‌گذاری حتی در مراسم عروسی (افغانستان) و حملات سایبری برای از کارانداختن اماکن مهم و حساس برای به خطر انداختن جان مردم، همگی اعمال خشونت آمیز و ترورهایی هستند که توسط گروه‌هایی به دلایل سیاسی، مذهبی و نژادی انجام می‌شود، هر چند در سراسر جهان اقدامات جدی و مهم و مداومی برای مبارزه با این خشونت‌ها انجام گرفته‌است و می‌گیرد اما جلوگیری از این اقدامات غیرانسانی کار بسیار دشواری است چون تروریست‌ها برای انجام اعمال غیرانسانی خود، حتی می‌توانند از وسایل عادی و عمومی استفاده کنند.

برای نمونه حملات با چاقو و ماشین به شهروندان و عابران پیاده به همین جهت باید ضمن ادامه تلاش‌ها برای جلوگیری از اقدامات تروریستی بر روی مبارزه با افکاری که باعث چنین اعمالی می‌شوند بیش از گذشته تمرکز شود، پس از حملات ۱۱ سپتامبر بحث مبارزه با تروریسم به یک مسأله جهانی تبدیل شد و کشورها همکاری‌ها در این زمینه را افزایش دادند و مبارزه با این اعمال خشونت‌آمیز جهانی شد اما هنوز راه زیادی تا ریشه‌کنی ترور باقی مانده و باید تغییرات گسترده‌ای در ساختار سیاسی و اقتصادی در سطح جهان انجام گیرد تا زمینه برای رشد تروریست‌ها فراهم نشود و این نیازمند همکاری همه کشورها است اما متأسفانه رژیم‌هایی مثل رژیم ایران که حامی تروریست و منشأ افکار خشونت‌آمیز و ترور هستند مانع اتحاد جهانی برای مبارزه با ترور و خشونت می‌شوند.

رژیم ایران یک رژیم دیکتاتوری ساده نیست که رهبران آن تنها به حفظ قدرتشان بیندیشند بلکه یک رژیم دیکتاتوری ایدئولوژیک است که هدفش تسلط بر همه کشورهای جهان است و برای دستیابی به این هدف از هیچ اقدامی دریغ نکرده‌اند، از حمایت سیاسی و مالی از رژیم‌های دیکتاتوری گرفته تا حمایت مالی و نظامی از گروه‌های شبه نظامی و گروه‌های تروریستی در سراسر جهان.

در حالیکه مردم ایران برای تهیه حداقل نیازهای ضروری زندگی با مشکل روبه رو شده‌اند رژیم ایران سالانه میلیاردها دلار از درآمد کشور را تقدیم به گروه‌های تروریستی می‌کند، آمار دقیقی از میزان کمک‌های رژیم به

گروه‌های تروریستی در دست نیست اما با توجه به آماري که از سوی سازمان‌های امنیتی غربی و کشورهای منطقه منتشر می‌شود ایران سالانه حدود ۱

جهان ضرر وارد کرده است. برای نمونه حمله به پالایشگاه‌های نفتی عربستان در سال گذشته امنیت نفت و انرژی در خاورمیانه را بشدت تهدید کرد و هر چند

گرفتند و ده‌ها هزار نفر از مردم توسط نیروهای رژیم شهید و زخمی شدند. رژیم برای حذف احزاب و گروه‌های مخالف اقدام به ترور

اصلاح بودن رژیم را به همه جهان نشان داد، البته رژیم برای حذف مخالفین تنها به ترور فیزیکی اکتفا نکرده و در چهل سال گذشته بطور مداوم و با همه توان

بیشتری در اختیار دارند، رژیم ایران مردم را به گروگان گرفته و از همه امکانات ایران در راه اشاعه خشونت و ترور استفاده می‌کند و با هر صدای آزادیخواه

ایران سالانه حدود ۱ میلیارد دلار به حزب الله لبنان و گروه‌های تندرو فلسطینی کمک مالی می‌کند و در چند سال گذشته بیش از ۳۰ میلیارد دلار به رژیم دیکتاتوری و آدم‌کش سوریه کمک مستقیم و غیرمستقیم مالی کرده‌است.

میلیارد دلار به حزب الله لبنان و گروه‌های تندرو فلسطینی کمک مالی می‌کند و در چند سال گذشته بیش از ۳۰ میلیارد دلار به رژیم دیکتاتوری و آدم کش سوریه کمک مستقیم و

کم اما تأثیر منفی بر اقتصاد جهانی داشت. البته این بخشی از اعمال رژیم ایران است و رژیم بخشی از انرژی و توان مالی و سیاسی‌اش را برای ترور و حذف و سرکوب مخالفین در داخل و

رهبران و اعضای آنان در داخل و خارج از ایران کرد، در داخل بعضی از فعالین را بصورت غیرمستقیم شهید کردند و در خارج از کشور هم از عراق گرفته تا اروپا اقدام به ترور و

رسانه‌ای در حال ترور شخصیت رهبران اپوزسیون و فعالین سیاسی در داخل و خارج از کشور است اما علیرغم همه تلاش‌ها در این زمینه موفق نبوده و زنده بودن نام دکتر قاسملو بعد از ۳ دهه

و دموکراسی خواهی بشدت برخورد می‌کند، رژیم ایران در چهل سال گذشته اقدام به قتل و اعدام و ترور ده‌ها هزار نفر از مردم ایران کرده است اما نتوانسته و نخواهد توانست صدای آزادی

رژیم ایران یک رژیم دیکتاتوری ساده نیست که رهبران آن تنها به حفظ قدرتشان بیندیشند بلکه یک رژیم دیکتاتوری ایدئولوژیک است که هدفش تسلط بر همه کشورهای جهان است و برای دستیابی به این هدف از هیچ اقدامی دریغ نکرده‌اند، از حمایت سیاسی و مالی از رژیم‌های دیکتاتوری گرفته تا حمایت مالی و نظامی از گروه‌های شبه‌نظامی و گروه‌های تروریستی در سراسر جهان.

غیرمستقیم مالی کرده‌است، کمک‌های نظامی رژیم ایران به گروه‌های تندرو در سراسر جهان به خصوص منطقه خاورمیانه بر کسی پوشیده نیست و بارها از سوی کشورهای غربی و منطقه

خارج از کشور صرف کرده‌است، رژیم ایران از همان ابتدای مصادره انقلاب مردم ایران اقدام به حذف مخالفین سیاسی کرد و قدم به قدم همه گروه‌های سیاسی حتی گروه‌های مذهبی دیگر را هم

آزار و اذیت مخالفین رژیم کردند، از جمله ترور حدود ۴۰۰ نفر از اعضا و کادرهای حزب دموکرات کوردستان ایران در کوردستان عراق و همچنین ترور دو رهبر بزرگ حزب دموکرات کوردستان

در میان مردم کوردستان به ویژه قشر جوان شکست جنگ نرم و رسانه‌ای رژیم در ترور شخصیت رهبران اپوزسیون را ثابت می‌کند. رژیم ایران بزرگترین و خطرناکترین

خواهی مردم را خاموش کند، سرنگونی رژیم ایران حتمی است چون اکثریت مطلق مردم ایران با این رژیم مخالف هستند، سرنگونی رژیم تروریستی ایران و برپایی حکومتی دموکرات و

رژیم برای حذف احزاب و گروه‌های مخالف اقدام به ترور رهبران و اعضای آنان در داخل و خارج از ایران کرد، در داخل، بعضی از فعالین را بصورت غیرمستقیم شهید کردند و در خارج از کشور هم از عراق گرفته تا اروپا اقدام به ترور و آزار و اذیت مخالفین رژیم کردند، از جمله ترور حدود ۴۰۰ نفر از اعضا و کادرهای حزب دموکرات کوردستان ایران در کوردستان عراق و همچنین ترور دو رهبر بزرگ حزب دموکرات کوردستان ایران دکتر عبدالرحمان قاسملو و دکتر صادق شرفکندی در اروپا.

محکوم شده‌است اما رژیم ایران همچنان به حمایت از ترور و خشونت ادامه داده‌است و مستقیم و غیرمستقیم به همه کشورهای

حذف کرد و مناطقی از ایران همچون کوردستان که خواستار حکومتی دموکرات و غیرمتمرکز بودند مورد حمله نظامی قرار

ایران دکتر عبدالرحمان قاسملو و دکتر صادق شرفکندی در اروپا. ترور دکتر قاسملو بر روی میز مذاکره تروریست بودن و غیر قابل

حکومت تروریستی است و خطر تروریسم دولتی از گروه‌های شبه نظامی بسیار بیشتر است چون امکانات مالی و سیاسی

غیرمتمرکز، تنها به نفع مردم ایران نیست بلکه به ثبات و آرامش در منطقه خاورمیانه و جهان کمک می‌کند.

چرا باید نگران و مخالف روابط گسترده بین ایران و چین باشیم؟

مفتار نقشبندی

خبر قرارداد ۲۵ ساله بین ایران و چین در چند هفته گذشته بازتاب گسترده‌ای در میان مردم داشته و اکثرا نسبت به این قرارداد ابراز نگرانی کرده‌اند و از آن به عنوان فروش کشور به چین نام برده‌اند، هر چند کلیات و جزئیات این قرارداد کاملا مشخص نیست و هنوز بطور رسمی قراردادی میان دو کشور امضا نشده‌است اما چون رژیم در سیاست خارجی به خصوص روابط با روسیه و چین کارنامه مثبتی ندارد و بارها منافع کشور را فدای مصالح رژیم کرده و در این مسئله هم تا اکنون پنهان کاری کرده و باعث نگرانی مردم و اپوزسیون شده‌است، بازتاب این خبر و واکنش مردم در دنیای مجازی به حدی زیاد و شدید بوده که چندین مقام و مسئول رژیم از جمله وزیر خارجه نسبت به این خبر واکنش نشان داده‌اند و از روابط با چین دفاع کرده‌اند و این روابط را دو طرفه و به نفع منافع کشور دانسته‌اند اما علی‌رغم تلاش گسترده رسانه‌های رژیم در تغییر دیدگاه مردم نسبت به روابط با چین ترس و شک و نگرانی مردم نسبت به این قرارداد و سلطه چین افزایش یافته‌است، اما واقعیت چیست؟ آیا رژیم قصد فروش ایران به چین و روسیه را دارد؟ چرا رابطه با آمریکا و اروپا مردم و اپوزسیون را نگران نمی‌کند اما تا پای روسیه و چین به میان می‌آید مردم نگران می‌شوند؟ مردم و اپوزسیون چه کار باید بکنند؟

در ساختار سیاسی جهان روابط کشورها بر اساس منافعشان است و در روابط بین‌المللی حتی کشورهای غربی هم منافع و مسائل اقتصادی و امنیتی را پیش از مسائل حقوق بشری و دموکراسی در نظر می‌گیرند و گاه در این روابط مسائل حقوق بشری هیچ جایگاهی ندارند، در چنین ساختار و شرایطی طبیعی است که هر کشوری به فکر حفظ منافع و امنیت خودش باشد و با کشورهای ارتباط بیشتری داشته باشد که منفعت بیشتری دارند اما بعضی کشورها که دارای رژیم‌های دیکتاتوری هستند به خصوص رژیم‌های ایدئولوژیک در روابط بین المللی، مصالح و منافع رژیم و ایدئولوژی شان را در اولویت قرار می‌دهند و بعد منافع اقتصادی و امنیتی کشور! رژیم ایران هم از جمله این کشورها است و متأسفانه در چند دهه گذشته روابط خارجی رژیم بر اساس حفظ نظام و گسترش ایدئولوژی رژیم (صدور انقلاب) بوده‌است و به همین دلیل همواره ایران روابط خارجی پرتنش داشته‌است که نتیجه ای جز انزوا و تحریم و ضرر اقتصادی برای ایران نداشته است. مشکل سیاست خارجی و روابط بین المللی ایران نگاه به شرق نیست بلکه مشکل اصلی اولویت و شیوه رژیم در

سیاست خارجی است که منافع ایران را فدای مصالح رژیم می‌کند وگرنه روابط گسترده و بلند مدت با چین که اکنون قدرت دوم اقتصادی جهان است و تا

اگر به دلایل سیاسی نبود قطعاً شرکت‌های غربی گزینه مناسبی برای مشارکت و سرمایه‌گذاری و همکاری در زمینه نفت و گاز می‌بودند، هر چند مشارکت با

در آمریکا را فدای بازار کوچک ایران نمی‌کند، درست است که حضور در ایران برای چینی‌ها بسیار مهم و حیاتی است و زمینه حضور بیشتر چین در خاورمیانه را

به خاک ایران باز خواهد شد و این به ضرر منافع مردمان ایران است، حضور نیروی‌های امنیتی و نظامی یک کشور در خاک کشور دیگر ذاتا مضر و بد نیست

بر خلاف سخنان مقامات رژیم که از روابط دوجانبه و دوستانه با چینی‌ها صحبت می‌کنند چینی‌ها همان گونه که بیشتر هم زیر فشار آمریکا از روابط اقتصادی با ایران کاسته‌اند در آینده هم بازهم این کار را تکرار خواهند کرد و شاید بر روی کاغذ به ایران تعهدهایی بدهند اما در عمل آنرا اجرا نخواهند کرد و از نظر اقتصادی این قرار داد خیر زیاد برای چین و خیر کم و ضرر زیاد برای ایران در پی خواهد داشت.

پایان این دهه قدرت اول اقتصادی جهان خواهد شد و از هر لحاظ در حال پیشرفت است مثبت و معقول است، به همین دلیل باید نگران گسترش روابط ایران با چین باشیم چون قطعاً به نفع رژیم و به ضرر

شرکت‌های چینی هزینه کمتری دارد و ظاهرا از نظر اقتصادی به صرفه‌تر است اما اگر ایران با شرکت‌های غربی مشارکت کند می‌تواند از تجربیات و تکنولوژی این شرکت‌ها هم بهره‌بربرد و این

فراهم می‌کند اما چین هیچگاه ایران را به آمریکا ترجیح نخواهد داد و بر خلاف سخنان مقامات رژیم که از روابط دوجانبه و دوستانه با چینی‌ها صحبت می‌کنند چینی‌ها همان گونه

و اگر بر اساس منافع مشترک برای دفع تهدید مشترک باشد کاملاً درست و لازم است مانند حضور نیروهای کشورهای غربی در خاک یکدیگر در چهار چوب پیمان ناتو برای مقابله با

در صورت درگیری شدید ایران با کشورهای منطقه یا تظاهرات گسترده در ایران برای براندازی رژیم نیروهای چینی به بهانه حفاظت از منافع و سرمایه شان در ایران حضور مستقیم پیدا خواهند کرد و این به حفظ رژیم کمک خواهد کرد اما چینی‌ها عملاً بخشی از خاک ایران را اشغال خواهند کرد.

مردم خواهد بود، هر چند به دلیل روشن نبودن جزئیات این قرار داد ۲۵ ساله امکان بررسی و تحلیل دقیق این قرارداد وجود ندارد اما به دو دلیل مهم اقتصادی و امنیتی این قرارداد به ضرر ایران

در بلند مدت بیشتر به نفع ایران خواهد بود همانگونه که چینی‌ها سال‌ها است از حضور شرکت‌های غربی در چین نهایت استفاده را برای افزایش مهارت نیروی کار و بهره‌گرفتن از تکنولوژی این

که پیشتر هم زیر فشار آمریکا از روابط اقتصادی با ایران کاسته‌اند در آینده هم بازهم این کار را تکرار خواهند کرد و شاید بر روی کاغذ به ایران تعهدهایی بدهند اما در عمل آنرا اجرا نخواهند کرد و از

تهدیدات روسیه، اما روابط ایران و چین بر خلاف کشورهای عضو ناتو روابطی نزدیک و هم‌راستا نیست و دشمن مشترکی ندارند، همانگونه که اشاره شد چین با آمریکا رقابت می‌کند و گاهی هم

رژیم ایران مصالح رژیم را در اولویت قرار می‌دهد و با دشمنی آشکارا با آمریکا بازیچه دست روسیه و چین شده و این مشکل اصلی و دلیل نگرانی مردم و اپوزسیون است چون آثار حضور روسیه در سوریه را دیده‌اند که چه بر سر آن کشور آورده و حضور روسیه مانع اصلی تغییر رژیم بوده و هست،

اسد بود در ایران هم همین اتفاق خواهد افتاد و در صورت درگیری شدید ایران با کشورهای منطقه یا تظاهرات گسترده در ایران برای براندازی رژیم نیروهای چینی به بهانه حفاظت از منافع و سرمایه شان در ایران حضور مستقیم پیدا خواهند کرد و این به حفظ رژیم کمک خواهد کرد اما چینی‌ها عملاً بخشی از خاک ایران را اشغال خواهند کرد.

شاید در متن قرارداد منافع ایران از جمله منافع اقتصادی در نظر گرفته بشود اما در عمل قطعاً آنگونه نخواهد بود همانطور که در برجام بر روی کاغذ و در متن توافق تا حدودی منافع اقتصادی ایران در نظر گرفته شده بود اما در عمل و حتی قبل از خروج آمریکا از برجام ایران نتوانست منافع اقتصادی برجام نفع زیادی ببرد چون قدرت پشتوانه قرارداده‌ها است نه حرف و شعار و همانگونه که ایران در استفاده از منافع برجام و حفظ آن ناتوان بود در روابط با چین هم نخواهد توانست چین را پاسخگو کند!

در واقع رژیم ایران در چهل سال گذشته همواره با اتخاذ سیاست‌هایی فراتر از قدرت و توانایی ایران باعث ایجاد تنش با قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای و در پی آن رنج مردم شده است، تولید ناخالص داخلی آمریکا و چین حدود ۵۰ و ۳۵ برابر ایران است و قطعاً ایران توانایی تاثیرگذاری و تغییر سیاست‌های آن کشورها را ندارد و ایران می‌بایست راه کشورهایی همچون آلمان و کره جنوبی و ژاپن را در پیش می‌گرفت و با افزایش قدرت ایران و هم‌پیمانی با دیگر قدرت‌ها بر مسائل جهانی تاثیر می‌گذاشت نه تهدید و تنش آفرینی که جز ضرر دستاوردی برای ایران نداشته است. همانگونه که اشاره شد دلیل و ترس از روابط گسترده ایران با چین و قرارداد ۲۵ این نیست که ذاتا همکاری و روابط گسترده با کشور قدرتمند چین کار اشتباهی باشد بلکه مشکل این است که رژیم ایران مصالح رژیم را در اولویت قرار می‌دهد و با دشمنی آشکارا با آمریکا بازیچه دست روسیه و چین شده و این مشکل اصلی و دلیل نگرانی مردم و اپوزسیون است چون آثار حضور روسیه در سوریه را دیده‌اند که چه بر سر آن کشور آورده و حضور روسیه مانع اصلی تغییر رژیم بوده و هست، اعتراض و ابراز نگرانی به تنهایی نمی‌تواند مانع این اعمال رژیم و فروش کشور به بیگانگان بشود و تنها راه سرنگونی رژیم است و سرنگونی رژیم با شعار عملی نخواهد شد و باید و باید و باید اپوزسیون متحدانه به میدان بیایند و پیغام قاطع و روشنی به جامعه جهانی بفرستند که مردمان ایران مخالف رژیم هستند و با هدایت اعتراضات سراسری رژیم را سرنگون کنند. هر روز رژیم زودتر سرنگون بشود یک روز زودتر رنج ها پایان می‌یابد و مردم به خوشی و رفاه خواهند رسید.

تنش و مشکلاتی در روابط شان پیش می‌آید اما چین بر خلاف ایران با آمریکا روابط گسترده اقتصادی دارد و هرگز برای دفاع از ایران با آمریکا درگیر نخواهد شد و همچنین چین هیچ دشمنی و ضدیت با رقبای ایران در منطقه یعنی عربستان و امارات و اسرائیل ندارد پس هرگونه روابط امنیتی و نظامی بین دو کشور به نفع چین خواهد بود و هیچ نفعی برای ایران نخواهد داشت اما به نفع رژیم خواهد بود و هدف رژیم هم دقیقاً همین مسئله است، همانگونه که حضور نظامی روسیه در سوریه به ضرر مردم و به نفع رژیم بشار

نظر اقتصادی این قرار داد خیر زیاد برای چین و خیر کم و ضرر زیاد برای ایران در پی خواهد داشت.
مسائل امنیتی:
شاید ایران به چین اجازه حضور مستقیم نظامی در خاکش را ندهد اما در صورت گسترش روابط و سرمایه‌گذاری کلان چین در ایران که تخمین زده می‌شود ارزش این قرارداد ۲۵ سال بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار باشد راه برای حضور نیروهای امنیتی و در صورت لزوم (جنگ ایران با کشورهای همسایه یا تظاهرات گسترده در ایران) پای نیروهای نظامی چین

شرکت‌ها انجام داده‌اند. رابطه و استفاده از شرکت‌های غربی و چین در کنار هم و در زمینه‌های متفاوت می‌تواند بهتر به پیشرفت اقتصادی ایران کمک کند و اصولاً معقول و درست نیست که ایران درهای کشور را بر روی کشورهایی کاملاً باز کند و بر روی کشورها دیگر کاملاً ببندد، مسئله مهم دیگر این است که علی‌رغم اینکه چین و آمریکا رقیب هم هستند و تنش و تضاد منافع و مشکلات زیادی با هم دارند اما روابط گسترده اقتصادی هم دارند که بیشتر به نفع چین است و هرگز چین منافع کلانش

خواهد بود.

اقتصادی:

هر چند چین اقتصاد دوم جهان است و رشد اقتصادی این کشور از کشورهای غربی و ژاپن بیشتر است اما هنوز از لحاظ تکنولوژی فاصله زیادی بین چین و کشورهای غربی وجود دارد و شرکت‌های چینی حداقل در بخش نفت و گاز گزینه مناسبی برای توسعه میادین فرسوده نفتی و گازی ایران نیستند چون به گفته کارشناسان تکنولوژی شرکت‌های چینی در این زمینه به خصوص در دریا و آب‌های عمیق جابجایی نیازهای ایران نیست و

عدم موازنه و وابستگی بیشتر



حاکمیتش، همچنان بخشی عظیم از صادرات خود بر دریای خزر را به روس‌ها و کشورهای همجوار اهدا کرد، با گشاده دستی فزونی‌تری به چینی‌ها تقدیم می‌کند.

چینی‌ها به درستی واقعیت‌ها و درماندگی رژیم را ملاحظه کرده و خود را تنها اکثر و فعال اقتصادی در بازار بدون رقیب ایران می‌دانند و از این منظر می‌توانند انحصار کامل بازار اقتصادی ایران را در اختیار گرفته و سودجویانه و هر روز بیشتر از گذشته نه تنها یک‌ه‌تاز عرصه اقتصادی بلکه به تبع آن عرصه سیاسی هم باشند، چیزی که مدتی است که نه تنها زمزمه‌های آن به گوش رسیده بلکه در عمل هم شاهد آن بوده‌ایم، جایی که عروسک وزارت خارجه و سپاه تروریست پاسداران رژیم در برابر اظهارنظر سنگینی وزارت بهداشت در خصوص پنهانکاری تبعات ویروس کرونا ازسوی مقام‌های چینی، جانب چینی‌ها را گرفتند و از آنها به عنوان کشور دوست و استراتژیک خود نام بردند.

آن وابستگی سیاسی به چینی‌ها نمونه‌ای دیگر از مستعمره شدن ایران دانست. در شرایطی که سیاست‌های ایدئولوژیک، تنش‌زا، نامتعارف و سلطه‌جویانه رژیم از یک طرف و ناکارآمدی و بی‌در و پیکری ساختار اقتصادی، سیاسی حاکم از طرف دیگر، در عرصه سیاسی ایران را در انزوای کامل بین‌المللی قرار داده و در بعد اقتصادی، مرگ حتمی اقتصاد ورشکسته را در اذهان تداعی می‌کند، چنین توافقی که نه از بعد اقتدار و در جهت توسعه بلکه در نقطه مقابل آن کاملاً از روی درماندگی و رذالت و صرفاً به زعم خودشان جهت ماندگاری حاکمیت اپورتونیست، مستبد و قرون وسطایی رژیم منعقد می‌گردد، از جنبه‌های گوناگون وابستگی بیشتر و همه‌جانبه را در پی خواهد داشت.

آنچه در باور چینی‌ها درون مایه و هسته و اصلی چنین توافقی است جنگ قدرت اقتصادی با آمریکا و دسترسی به منافع بیشتر و بهره‌مندی از تخفیف‌هایی است که رژیم تنها جهت حفظ

چندان مشخص و عمدتاً مبهم و کمافی‌السابق و به مثل سایر توافقات زیربهره‌زیر و غیرعلنی که از نمونه‌های بارز سیاست‌ورزی درحاکمیت جمهوری اسلامی است، برشمردند، موافقین آنرا سندی در راه توسعه اقتصادی و نظامی قلمداد کرده و مخالفین آنرا نسخه و ورژن جدید همان قرارداد رویترز و ترکمنچای دوم می‌دانند.

اگر چه به طبیعت نظام حکومتی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی که مفاد چنین اسنادی را از نگاه‌ها و افکار عمومی مخفی نگه می‌دارد نمی‌توان به درستی تحلیل همه‌جانبه چنین سندی را مدنظر داشت و به واگذاری جنبه‌های گوناگون آن پرداخت، گزارش همانند نشریات فوق‌الذکر را که در سرمایه‌گذاری ۴۰۰ میلیارد دلاری چین در حوضه‌های انرژی و حمل و نقل و ادوات نظامی و حضور هزاران نظامی به بهانه تأمین امنیت سرمایه‌گذاری‌های چینی‌ها، اتفاق نظر دارند را می‌توان در انحصار قرار دادن همه زیرساخت‌های اقتصادی و به تبع

فالاد (درویزه)

در یکی دو هفته اخیر و بویژه بعد از درج گزارشاتی در نشریه پترولیوم اکونومیست و روزنامه نیویورک تایمز درخصوص سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین، عبور بیشتر از شعار غیرمنطقی و عوام‌فریبانه نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی به موضوع داغ و قابل مناقشه افکار عمومی تبدیل گشته‌است، در دو طرف جبهه‌بندی‌های موافقین و مخالفین چنین توافقی از رهبر رژیم و دکانداران وابسته و ذوب شده در ولایتش که در مدح آن سخنها بر زبان راندند گرفته تا محمود احمدی‌نژاد که گویی حافظه تاریخی جامعه را در یادآوری آنچه بنیاد چنین توافقات مضحکانه‌ای در دوران ریاست جمهوری‌ش شکل گرفته، دست کم می‌گیرد و جریان‌های برانداز حاکمیت در خارج که آنرا ترکمنچایی دیگر می‌پندارند، با ذکر دلایل و استدلال‌ات گوناگون، منافع و زیان‌های این توافق نه

ترور در وین



یزدان شهدایی

در ۲۲ تیر ماه سال ۱۳۶۸، دکتر عبدالرحمن قاسملو، رهبر حزب دموکرات کوردستان ایران، یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های سیاسی ایران و خاورمیانه، در شهر وین به دست تروریست‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران به قتل رسید.

دکتر قاسملو به تقاضای جمهوری اسلامی و برای پیدا کردن راه‌حلی مسالمت‌آمیز و پایان دادن به جنگ در کوردستان، حاضر شده بود بر سر میز مذاکره بنشیند. تروریست‌های نظام اسلامی که با پوشش دیپلماتیک وارد کشور اتریش شده بودند با همکاری سفارت جمهوری اسلامی بعد از ترور او خاک آن کشور را ترک کردند.

اتاق جنایت حاکمیت اسلامی، بعد از پایان جنگ، برای تثبیت پایه‌های لرزان خودش، سیاست از بین بردن مخالفان نظام در داخل و خارج کشور، بویژه شخصیت‌های موثر را در دستور کار خود قرار داد. این هیولای اسلامی بر اقیانوسی از خون بهترین فرزندان این آب و خاک بنا شده‌است. قتل قاسملو رهبر فرهیخته و کاربزماتیک کورد، در این راستا رقم خورد. دکتر قاسملو، در کوران حوادث پر فراز و نشیب بعد از سال‌های جنگ دوم با سیاست آشنا شده بود. او در دوران دکتر مصدق و سال‌های بعد از کودتا فعالیت حزبی و سیاسی را در شرایط علنی و مخفی تجربه کرده‌است، کشورهای سوسیالیستی را خوب می‌شناخت و دکترای علوم اقتصادی خود را در پراگ پایتخت چکسلواکی دریافت و سال‌ها در سمت استادی دانشگاه تدریس کرده بود. همه این تجارب او را به یک شخصیت طراز اول سیاسی تبدیل نموده بود.

دکتر قاسملو از همان ابتدای انقلاب اسلامی، با تیزبینی خاصی دست خمینی را خوانده بود، فریب انقلاب ضد امپریالیستی و مستضعفان او را نخورد و با طرح شعار "دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کوردستان" رابطه جنبش مطالباتی کردها را با دموکراسی در ایران پیوند داد و می‌گفت: "بدون تأمین یک دموکراسی پیگیر در ایران خودمختاری هم پایدار نخواهد بود". به همین خاطر استقرار دموکراسی در ایران را مقدم بر خودمختاری در کوردستان می‌دانست.

امروز بعد از گذشت ۴۰ سال از حاکمیت اسلامی و تجارب گوناگون اپوزیسیون می‌توان به هوش و دانش سیاسی دکتر قاسملو پی برد. او می‌گفت: "ایران به یک حکومت دموکراتیک احتیاج دارد که بر مبنای اعلامیه جهانی حقوق بشر عمل کند" و خودمختاری را "عدم تمرکز و تقسیم قدرت در استان‌های ایران برای جلوگیری از تجمع قدرت در مرکز" تعریف می‌کرد. او با صراحت و بعنوان یک کورد اعلام می‌کرد: "به هیچ کس اجازه نمی‌دهیم خودش را از ما ایرانی‌تر بداند، بلکه در این خانواده مشترک می‌خواهیم به خواسته‌های ما توجه شود و یک شهروند درجه دو نباشیم".

او می‌خواست "اسلحه را با دموکراسی جایگزین کند و برای تحقق چنین آرزویی جان خود را از دست داد. تروریست‌های دولتی جمهوری اسلامی قلب جوان او را که برای صلح می‌تپید، در سن ۵۹ سالگی برای همیشه خاموش کردند، اما نام و راه او پرچم مبارزه برای صلح و آزادی شده است و بر فراز کوه‌های زاگرس در اهتزاز است.



خط‌مشی قاسملو

مکتبی است که ادامه دارد

